

# تاریخ اندیشه‌های جامعه‌شناسی

---

جلد اول

از آغاز تا ماکس وبر

میشل لالمان

ترجمه

عبدالحسین نیک‌گهر



انتشارات هرمس

- ۲.۳ قدرت، حاکمیت و خشونت نمادی ..... ۱۰۷
- ۳.۳ پایداری و تحول نظام‌های ارزش ..... ۱۱۱
- فصل ۴: کارکردگرایی و نظریه‌های سیستم‌ها ..... ۱۲۱
۱. کارکردگرایی تالکوت پارسونز ..... ۱۲۲
- ۱.۱ جامعه‌شناسی، علم کنش ..... ۱۲۳
- ۲.۱ نظام اجتماعی و متغیرهای پیکربندی (ساختاری) ..... ۱۲۹
- ۳.۱ کارکردهای چهارگانه هر نظام کنش (AGIL) ..... ۱۳۴
- ۴.۱ دگرگونی اجتماعی و تحول جامعه‌ها ..... ۱۳۹
۲. نظریه کارکردگرایی با بُرد متوسط ..... ۱۴۴
- ۱.۲ مرتون، منتقد و اصلاح‌گر کارکردگرایی ..... ۱۴۴
- ۲.۲ سرخوردگی نسبی، گروه عضویت و گروه مرجع ..... ۱۵۰
- ۳.۲ سازگاری‌ها و اختلال‌های کارکردی اجتماعی ..... ۱۵۴
۳. نوکارکردگرایی معاصر ..... ۱۵۹
- ۱.۳ اختراع مجدد کارکردگرایی ..... ۱۵۹
- ۲.۳ ساختارگرایی کارکردی نیکلاس لوهمان ..... ۱۶۰
- ۳.۳ کاستن از پیچیدگی نظام‌ها ..... ۱۶۲
- فصل ۵: تحلیل ساختاری وقایع اجتماعی ..... ۱۶۹
۱. ساختار و وقایع اجتماعی ..... ۱۷۰
- ۱.۱ مارکسیسم آلتوسری و تأثیرش بر جامعه‌شناسی فرانسه ..... ۱۷۱
- ۲.۱ جامعه‌شناسی شناخت یا تبارشناسی دانش؟ ..... ۱۸۴
- ۳.۱ نشانه‌شناسی و ساختارگرایی تکوینی ..... ۱۸۸
۲. آن سوی ساختارگرایی ..... ۱۹۴
- ۱.۲ مبادله، سازمان‌ها و ارزش‌ها: جامعه‌شناسی ساختاری پتر بلو ..... ۱۹۵
- ۲.۲ نظریه ساختارمندی گیدنز و دوگانگی ساختاری ..... ۱۹۶
- ۳.۲ ساختارگرایی تکوینی پیر بوردیو ..... ۲۰۰
- ۴.۲ ساختارها و شبکه‌ها ..... ۲۰۹
- بخش سوم: تناقض‌های امر اجتماعی
- فصل ۶: پس از مارکس: نظریه‌های انتقادی و جامعه‌شناسی رادیکال ..... ۲۲۱
۱. بازخوانی مارکس ..... ۲۲۲

۲۲۲	۱.۱ ایدئولوژی و اتوپیا
۲۲۶	۲.۱ نخستین مطالعات جامعه‌شناختی مکتب فرانکفورت
۲۲۸	۲. مارکسیسم و انتقاد از سرمایه‌داری پیشرفته
۲۲۸	۱.۲ تباهی خرد
۲۳۲	۲.۲ به سوی نقد سرمایه‌داری پیشرفته
۲۳۶	۳.۲ حاکمیت و دولت
۲۳۸	۳. مارکسیسم میان نرمش و انفجار
۲۳۸	۱.۳ از تاریخ به کنشگران
۲۴۰	۲.۳ آسیب‌شناسی‌های اجتماعی و استعمارگری دنیای واقعی
۲۴۲	۳.۳ کنش ارتباطی به مثابه یگانگی اجتماعی
۲۴۹	فصل ۷: کشمکش‌ها و تاریخ‌مندی
۲۵۰	۱. دگرگونی اجتماعی و کشمکش‌های طبقاتی در جامعه صنعتی
۲۵۰	۱.۱ دیالکتیک مبارزه / مصالحه
۲۵۶	۲.۱ تاریخ‌مندی و روابط طبقات
۲۶۰	۲. کنش جمعی و جنبش‌های اجتماعی
۲۶۰	۱.۲ از هم‌پاشیدگی، رفتارهای جمعی و سرخوردگی اجتماعی
۲۶۲	۲.۲ نیروهای کنش جمعی
۲۶۴	۳. تاریخ و جامعه‌ها
۲۷۰	۱.۳ بازگشت به ایده توسعه‌گرایی
۲۷۱	۲.۳ اقتصاد - دنیا، دولت‌ها و انقلاب‌ها
۲۷۳	۳.۳ بازگشت «نظریه کلان»
۲۷۶	۴. ماهیت جامعه‌های معاصر
۲۷۷	۱.۴ پایان جامعه صنعتی
۲۷۹	۲.۴ آیا پُست‌مدرن شده‌ایم؟

بخش چهارم: ساختن کنش اجتماعی

۲۸۷	فصل ۸: جامعه‌شناسی خرد، بازی‌های کنشگران و استعاره انسان سوداگر
۲۹۰	۱. رفتارگرایی و نظریه‌های مبادله
۲۹۰	۱.۱ کیوترها و انسان‌ها
۲۹۱	۲.۱ دامنه، حدود و گستره‌های نظریه‌های مبادله
۲۹۶	۲. فردگرایی روش‌شناختی و تحلیل راهبردی

- ۲۹۷ ..... ۱.۲ فردگرایی، عقلانیت و نیت‌مندی
- ۳۰۴ ..... ۲.۲ از واگردانی خُرد تا جامعه‌شناسی اثرات انحرافی
- ۳۰۹ ..... ۳.۲ تحلیل راهبردی میشل کروزیه
- ۳۱۳ ..... ۳.۳ بُرد جامعه‌شناسی خُرد فردگرایانه
- ۳۱۶ ..... ۱.۳ چند انتقاد درونی
- ۳۱۷ ..... ۲.۳ محدودیت‌های جامعه‌شناسی‌های نمادی و تخیلی
- ۳۲۳ ..... فصل ۹: امکان سامان اجتماعی
- ۳۲۶ ..... ۱. بازگشت به شیکاگو: احیای کنش‌متقابل‌گرایی
- ۳۲۶ ..... ۱.۱ پیدایش کنش‌متقابل‌گرایی نمادی
- ۳۲۷ ..... ۲.۱ کنش‌های متقابل و مذاکره‌ها
- ۳۳۱ ..... ۳.۱ کجروی چونان فرایند
- ۳۳۵ ..... ۴.۱ رفتار‌نمایشی روزمره و نظم اجتماعی خُرد
- ۳۴۲ ..... ۲. روش‌شناسی مردمی
- ۳۴۳ ..... ۱.۲ وقایع اجتماعی اشیا نیستند بلکه «دستیافت‌های عملی» هستند
- ۳۴۹ ..... ۲.۲ روش‌شناسی مردمی، نقش و نابرابری‌های اجتماعی
- ۳۵۴ ..... ۳.۲ روش‌شناسی مردمی: رویداد یا فرقه؟
- ۳۵۷ ..... نتیجه: کارگاه‌های [جامعه‌شناسی] در قرنی جدید
- ۳۶۹ ..... کتابنامه
- ۳۷۷ ..... اعلام

## فصل ۱

# مسئله «با هم زیستن»، از دوران باستان تا عصر کلاسیک

### خلاصه فصل

۱. فلسفه و سیاست در یونان باستان
۲. خدامحوری در سده‌های میانی
۳. تفکر اجتماعی و سیاسی در عصر مدرن

با یونانیان عهد باستان نظام بی‌سابقه‌ای برای مشارکت در حیات سیاسی به ظهور می‌رسد که دموکراسی نامیده شده است (نگاه کنید به نشانه ۱). در همین ایام تفکری اصیل و آزاد دربارهٔ جامعه و زندگی اجتماعی نیز شکوفا می‌شود. با وجود اینکه این اندیشه‌ها اصول بدیعی برای فهم واقعیت اجتماعی فراهم می‌کنند، دیدگاهی هنجاری (آنچه باید باشد) دربارهٔ روابط مردم در جامعه دارند. چنین دیدگاهی با روح آنچه بعدها دیدگاه جامعه‌شناختی خواهد بود بیگانه است.

سده‌های میانی برای توسعهٔ بینش‌های نوین برای زندگی اجتماعی دوران مساعدی نیست. در این دورهٔ طولانی [حدود ده قرن] تفکر خدامحوری بر زندگی اجتماعی مسلط است. لازم بود تا فرارسیدن دورهٔ نوزایش (رنسانس) انتظار کشید تا اندیشمندان بتدریج از مدار اندیشیدن دربارهٔ نظم جامعه با ارجاع به یک اصل ملکوتی بیرون آیند. از این گسیختگی، نخستین نظریه‌های مرتبط با

# دموکراسی آتن

## تاریخ

اصلاحات کلیستین (۵۰۸ ق م)، که با فشار دهقانان، پیشه‌وران و بازرگانان پذیرفته شده بود، چهرهٔ سیاسی یونان باستان را به کلی تغییر می‌دهد. این اصلاحات شرایط برقراری رژیم را ایجاد می‌کند که به مردم قدرت می‌دهد، و به همین مناسبت آن را دموکراسی (مردم‌سالاری) نامیده‌اند. جایگزینی طایفه‌های قدیمی با تقسیمات جدید، در یک بدنهٔ سیاسی، واحدهای متحد واقعی ایجاد می‌کند که در برابر قدرت حاکم از حقوق برابر برخوردارند. در قرن پنجم میلادی، که به قرن پریکلس استراتژ معروف است، آتن پایتخت واقعی یونان و کانون باروری علمی، فلسفی و هنری می‌شود. در این جمع، مورخان بزرگی چون هرودوت (۴۲۵-۴۸۴ ق م) و توسیدید (۳۹۵-۴۶۵ ق م) پا به عرصه می‌گذارند؛ هرودوت تاریخ جنگ‌های میدی را می‌نویسد و توسیدید، با آوردن شواهد متعدد «مردم‌نگاری»، تاریخ پلوپونز را به رشتهٔ تحریر درمی‌آورد. این دو مورخ از پیشگامان علوم اجتماعی شمرده می‌شوند. جنگ پلوپونز (۴۰۴-۴۳۱ ق م) علیه اسپارت به دموکراسی آتن پایان می‌دهد. در ۴۰۴ ق م یک حکومت چندسالاری (oligarchique) (معروف به حکومت سی جبار) قدرت را به دست می‌گیرد. در رأس این حکومت چندسالاری، کریتیاس، پسرعموی مادر افلاطون، زمام امور را به دست دارد. در ۴۰۳ ق م، یک حکومت دموکرات به قدرت باز می‌گردد؛ همین دموکراسی است که سقراط را به مرگ محکوم می‌کند.

## سازمان

«بر اساس اصطلاحات امروزی متداول در حکومت مبتنی بر قانون اساسی،

## دموکراسی آتن

می توان گفت که مردم آتن نه فقط شرایط لازم برای احراز مشاغل و حق انتخاب قضاات را داشتند بلکه از حق تصمیم گیری در همه عرصه های سیاسی دولت و از حق قضاوت کردن و تشکیل دادن دادگاه در همه دعاوی مهم، اعم از مدنی و کیفری و عمومی و خصوصی، برخوردار بودند. اقتدار نظام حکومتی در مجلس نمایندگان منتخب متمرکز بود، مناصب دولتی تقسیم شده بود و به صورت دوره ای با قرعه کشی تعیین می شد، از دیوانسالاری حقوق بگیر خبری نبود، هیئت داوری از مردم عادی بودند؛ همه اینها تمهیداتی بود تا از ایجاد دستگاه حزبی و در نتیجه از شکل گیری گروه نخبگان سیاسی نهادی شده جلوگیری شود. اداره امور جامعه مستقیم و شخصی بود، و در آن برای عروسک های خیمه شب بازی حقیری که از پشت پرده آلت دست رهبران واقعی آند جایی نبود. مردانی نظیر پریکلس البته در زمره نخبگان سیاسی بودند، اما این نخبگان خود به خود استمرار نمی یافتند؛ ... در پرتو این واقعیت سیاسی، برخی از سازوکارهای نهادی که آتنی ها به قوه تخیل اختراع کرده اند غرابت آشکارشان را با دموکراسی امروزی از دست می دهند. از معروف ترین این سازوکارها طرد و تبعید اجتماعی (ostracisme) است: مردی که نفوذش فوق العاده خطرناک تشخیص داده می شد ممکن بود ده سال تبعید شود، بدون آنکه هر آینه، و این مهم است، اموال و پایگاه شهروندی اش را از دست بدهد.

